

نادر ساعد*

معاهده و سازمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای: از آمیزه‌های سیاسی تا آموزه‌های حقوقی

چکیده:

معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای ظاهراً یکی از دستاوردهای ناشی از روند خلع سلاح است ولی در واقع، ساخته و پرداخته اراده و تمایلات کشورهای غربی به‌ویژه هسته‌ای می‌باشد. منافع کشورهای در حال توسعه به‌ویژه نقش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در روند توسعه آنها، کاملاً در این معاهده به فراموشی سپرده شده است. اجرای معاهده مذکور نه تنها قادر به تأمین ملاحظات صنعتی و توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه نیست بلکه تضمینی امنیتی را نیز برای آنها در بر ندارد. این مقاله تلاشی است که بر استناد به مبانی قابل قبول حقوقی در مخالفت با معاهده مذکور استوار می‌باشد و پیشنهاد می‌کند که به جای طرح مفاهیم مؤلفه‌های کاملاً سیاسی، از آموزه‌های حقوقی بهره‌گرفته شود.

واژگان کلیدی:

شناسایی، حقوق بین‌الملل، معاهده، آزمایش هسته‌ای، عضویت، حاکمیت ملی.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
از دوست محقق و ارجمندم جناب آقای محسن عبداللهی که در کنترل و منبع‌یابی بخش‌هایی از این نوشته قبول زحمت فرمودند، سپاسگزاری می‌گردد. بدیهی است که مسئولیت مطالب مذکور، صرفاً به

مقدمه

معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (CTBT)^۱ در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۶ به تصویب رسید. (۱) هدف این معاهده بین‌المللی چندجانبه نامحدود، آن است که از طریق منع انجام کلیه آزمایش‌های هسته‌ای اعم از صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز، مانع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردد. منع "جامع" آزمایش‌های هسته‌ای، نوآوری معاهده مذکور بوده و به معنای فسخ ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)^۲ می‌باشد. (۲)

این معاهده دارای ماهیتی نا برابر و تبعیض‌آمیز است که صرفاً به تحدید دولت‌های در حال توسعه خواهد انجامید و از نظر ماهوی نیز هرگز قادر به تحصیل و تامین اهداف مورد نظر خود یعنی "پیشبرد خلع سلاح کامل و عمومی از طریق منع جامع آزمایش هسته‌ای" (۳) نخواهد بود. بدین لحاظ در خصوص عضویت در این معاهده، کشورهای در حال توسعه باید با در نظر گرفتن وضعیت فعلی جامعه جهانی و چشم اندازهای آن در آستانه ورود به قرن بیست و یکم و هزاره سوم عمل نمایند، به گونه‌ای که هم تحولات بین‌المللی مؤثر قرار گیرند و هم تضمین‌های امنیتی برای خود دست و پا نمایند.

بررسی تفصیلی این معاهده مجال خاصی را می‌طلبد لیکن این مقاله در پی آن خواهد بود که چند استدلال فرضی پیرامون توجیه خودداری ایران از عضویت در معاهده مذکور (در وضعیت فعلی آن) را از نظر اعتبار حقوقی و استحکام منطقی بررسی نماید.

در ابتدا به پیشینه تاریخی اقدامات بین‌المللی منتهی به انعقاد CTBT خواهیم پرداخت و سپس با هدف تقویت نگرش سیاست‌گذاران در حمایت از عدم شتاب در عضویت جمهوری اسلامی ایران در معاهده مذکور، چند استدلال مفروض را از نظر اعتبار حقوقی بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول - گاه شمار وقایع و اقدامات هسته‌ای تا انعقاد CTBT

پویش تحول اقدامات منتهی به تصویب CTBT ضمن اینکه سرمنشأ اندیشه‌های منع آزمایش هسته‌ای را می‌نمایاند، میزان نقش آفرینی دولت‌های هسته‌ای به‌ویژه قدرت‌های غربی در پروراندن ضرورت انعقاد معاهده‌ای چند جانبه پیرامون این موضوع را نشان می‌دهد و پیوند

این امر با برنامه‌های هسته‌ای ملی آنان را آشکار می‌سازد. تاریخ نشان می‌دهد که اندکی پس از آزمایش‌های هسته‌ای که به تولید این نوع سلاح کشتار جمعی انجامید، تلاش‌های بین‌المللی در پی محدود کردن این نوع سلاحها بوده است ولی هدف نهایی این تلاش‌ها که خلع سلاح کامل و عمومی هسته‌ای است به دلایل مختلف به ویژه تلاش قدرت‌های غربی برای حفظ انحصاری این توان به‌عنوان یک وسیله سلطه - در پناه ارایه نظریاتی همچون بازدارندگی هسته‌ای^۱ - تحقق نیافته است.

الف - آغاز آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۴۵-۱۹۵۴)

علت احساس نیاز جامعه بین‌المللی به انعقاد این معاهده چندجانبه، آزمایش‌های هسته‌ای انفجاری بوده است که در جهت دستیابی به این سلاح‌ها با سایر مقاصد غیر صلح‌آمیز انجام گرفته است.^۲

نخستین آزمایش انفجاری هسته‌ای در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ به وسیله ایالات متحده آمریکا در آلاموگوردو^۳ مکزیک انجام شد و آزمایش موفقیت‌آمیز مذکور سبب شد که در ماه اوت همان سال یعنی اواخر جنگ جهانی دوم از دو بمب اتمی علیه ناکازاکی و هیروشیما استفاده شود. رقابت‌های تسلیحاتی سردمداران بلوک شرق و غرب در جریان جنگ سرد، ابر قدرت شرق (اتحاد جماهیر شوروی سابق) را بر آن داشت تا برای ممانعت از غلبه ایالات متحده در این جدال نهایت تلاش خود را جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای به کار گیرد. بدین ترتیب این کشور نیز نخستین آزمایش هسته‌ای خود را با فاصله چهار ساله از ایالات متحده در نزدیکی سمپالائینسک^۴ قزاقستان به انجام رساند.

دولت بریتانیا هم برای اینکه از وضعیت جدید و آثار آن ناکام نماند، نخستین آزمایش هسته‌ای خود را در سال ۱۹۵۲ در جزایر موننت بلو^۵ واقع در فراسوی سواحل استرالیا انجام داد. در ۸ سال بین ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ و ۳۱ دسامبر ۱۹۵۳ بیش از ۵۰ آزمایش هسته‌ای ثبت شده

1- Nuclear Deterrence.

۲ - با این حال، انعقاد معاهده CTBT را نمی‌توان وسیله‌ای مناسب برای پاسخ دادن به این نیاز تلقی نمود.

3- Alamogordo.

ب - آغاز نگرانی جامعه بین المللی نسبت به آثار آزمایش‌های هسته‌ای

(۱۹۴۵)

در سال ۱۹۴۵ افراد و گروه‌های مختلف در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای جهت آثار رادیواکتیو ناشی از انفجارهای آزمایش هسته‌ای و پی‌گیری و ادامه مسابقه تسلیحاتی، ابراز نگرانی کردند. جواهر لعل نهرو نخست وزیر فقید هند از جمله کسانی بود که ضمن نگرانی، تعلیق آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را درخواست و مطرح کرد.

در پی افزایش نگرانی‌های بین‌المللی نسبت به آثار و پیامدهای آزمایش هسته‌ای و گسترش آن، کارشناسان دولتی اروپای شرقی و دول غربی در سال ۱۹۵۸ در ژنو گرد هم آمدند تا امکان کشف و شناسایی آزمایش‌های هسته‌ای زیر زمینی را مورد بحث و بررسی قرار دهند. (۵)

ج - نخستین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای

در سال ۱۹۵۹، معاهده جنوبگان (۶) که مبتنی بر غیر نظامی و غیر هسته‌ای کردن قاره جنوبگان بود جهت امضا در واشنگتن مفتوح گردید. اندیشه خالی نگه داشتن بعضی مناطق از سلاح هسته‌ای در اواخر دهه ۱۹۵۰ در ادبیات حقوقی ظهور کرد. در آن سال‌ها بود که همه در یافتند خلع سلاح عمومی دست کم در آینده نزدیک امکان‌پذیر نیست. (۷) در پی انعقاد معاهده جنوبگان، نخستین تصمیم مجمع عمومی در خصوص مناطق عاری از سلاح هسته‌ای یعنی قطعنامه ۱۶۴۴ در سال ۱۹۶۱ که مبنای اولیه آن پیشنهاد دولت سوئد موسوم به "طرح آندن" بود، به تصویب رسید. (۸)

مفهوم منطقه عاری از سلاح هسته‌ای به لحاظ ماهوی گسترده‌تر از مفهوم عدم گسترش است. زیرا تعهدات دولت‌های عضو معاهده منع گسترش به ممنوعیت تولید، تحصیل و یا کنترل سلاح هسته‌ای محدود می‌شود در حالی که می‌تواند به دولت دارای سلاح هسته‌ای اجازه دهد که چنین سلاحی را در خاک دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای و تحت نظارت همان دولت‌ها مستقر نماید. در مقابل دولت عضو معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای نه تنها حق تولید و تحصیل این سلاح را ندارد بلکه به هیچ وجه نمی‌تواند استقرار این سلاح‌ها را در خاک خود

د - نخستین معاهده بین‌المللی تحدید آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۶۳)

در ۵ اوت ۱۹۶۳ معاهده منع جزئی آزمایش‌های هسته‌ای (PTBT)^۱ مبنی بر منع آزمایش‌های هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر آب به وسیله انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و ایالات متحده به امضا رسید. (۱۰)

این نخستین معاهده بین‌المللی بود که به طور غیرمستقیم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تحت تاثیر محدودکننده قرار می‌داد ولی امکان انجام آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی (حتی برای تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای) همچنان باقی ماند. (۱۱)

این در حالی بود که میزان آزمایش‌های هسته‌ای در دوره ۱۸ ساله بین ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ تا ۵ اوت ۱۹۶۳ یعنی امضای PTBT، بیش از ۵۵۰ آزمایش هسته‌ای اعلام شده است. (۱۲)

آزمایش‌های هسته‌ای چین نیز یک سال پس از انعقاد معاهده مذکور در لوپ نور^۲ واقع در منطقه تین چیانگ^۳ آغاز شد.

ه - دومین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای

در سال ۱۹۶۷، معاهده منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب موسوم به معاهده تلاتلوکوکو^۴ به عنوان دومین معاهده تاسیس منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای برای امضا در مکزیکوسیتی مفتوح گردید. (۱۳) این معاهده آمریکای لاتین و منطقه کارائیب را به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای قرار داد.

بر اساس ماده ۱۸ معاهده مذکور، دولت‌های عضو از هر گونه آزمایش هسته‌ای نظامی در منطقه تحت پوشش معاهده، ممنوع می‌باشند ولی آزمایش هسته‌ای صلح‌آمیز برای آنها مجاز می‌باشد.

و - معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸)

در سال ۱۹۶۸، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) مبنی بر تعهد دولت‌های

1- Partial - Test - Ban Treaty.

2- Lop Nor.

غیرهسته‌ای عضو به عدم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای و الزام آنها در جهت خلع سلاح هسته‌ای، جهت امضا در لندن، مسکو و واشنگتن مفتوح گردید. واقعیت این است که معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که در جهت حفظ وضع موجود بر آمده بود (۱۴) درست در جهت مخالف طراحان با حسن نیت آن گام برداشت. مجمع عمومی که در قطعنامه ۲۰۲۸ سال ۱۹۶۵ "اهم مطالب و خطوط کلی معاهده منع گسترش را تبیین نمود" (۱۵) انتظار داشت که این معاهده، عاری از گریزگاه‌هایی باشد که به قدرت‌های هسته‌ای و یا غیر آن، امکان تکثیر مستقیم و یا غیر مستقیم سلاح هسته‌ای را بدهد. وانگهی این معاهده طبق نظر مجمع، می‌بایست توازن معقول در مسئولیت و تعهدات مشترک قدرت‌های هسته‌ای و دیگر دولت‌ها برقرار کند. (۱۶) در حالی که تبعیض‌آمیز بودن و نابرابری تعهدات و حقوق دولت‌های هسته‌ای و غیر هسته‌ای عضو معاهده مذکور، امری است که اغلب بر آن اذعان دارند. (۱۷)

در سال ۱۹۷۴ یعنی ۶ سال پس از انعقاد NTP هند در پوکاران^۱ واقع در صحرای راجستان^۲ نخستین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و اعلام کرد که آزمایش مذکور جهت اهداف «صلح‌جویانه» بوده است. (۱۸)

ز- معاهدات دوجانبه تحدید آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۷۶-۱۹۷۴)

در ۳ ژوئیه ۱۹۷۴ معاهده تحدید آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای در زیر زمین موسوم به معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای آستانه (TTBT)^۳ مبنی بر تحدید این آزمایش‌ها تا سطح ۱۵۰ کیلو تن تی.ان. تی. به وسیله اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و ایالات متحده امضا گردید. (۱۹)

در ۲۸ مه ۱۹۷۶ معاهده آزمایش‌های زیرزمینی برای مقاصد صلح‌آمیز موسوم به معاهده آزمایش‌های هسته‌ای صلح‌آمیز (PNET)^۴ به وسیله اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و ایالات متحده به امضا رسید. (۲۰) به موجب این معاهده طرفین متعهد شدند که آزمایش‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را در خارج از مراکز نظامی آزمایش سلاح‌های هسته‌ای انجام دهند و سطح

1- Pokaran.

2- Rajestan Desert.

مواد منفجره این آزمایش‌ها از ۱۵۰ کیلو تن تی.ان.تی بیشتر نباشد. در همین سال، گروه ویژه کارشناسان علمی به وسیله کنفرانس کمیته خلع سلاح جهت بررسی تدابیر همکاری بین‌المللی برای شناسایی و تشخیص حوادث زمین‌لرزه‌ای با استفاده از یک شبکه جهانی متشکل از ایستگاه‌های کنترل و نظارت زلزله‌نگاری تاسیس شد.

ح - سومین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۸۵)

در سال ۱۹۸۵ معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای اقیانوس آرام (کبیر) جنوبی موسوم به معاهده راروتونگا^۱ مبنی بر ایجاد اقیانوس آرام جنوبی به عنوان یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای جهت امضا در راروتونگا واقع در جزایر کوک مفتوح گردید. (۲۱)

در ماده ۶ این معاهده، دولت‌های عضو از کلیه آزمایش‌های هسته‌ای حتی صلح‌آمیز منع شده‌اند. یعنی توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در خصوص منع انجام آزمایش هسته‌ای، در این معاهده توانست آزمایش‌های صلح‌آمیز را نیز تحت پوشش قرار دهد.

"ممنوعیت این آزمایش‌ها از این روست که اصولاً مبنای انعقاد معاهده راروتونگا و ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در اقیانوس آرام جنوبی، تداوم آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در موروروآ بوده است که در همین منطقه واقع می‌باشد." (۲۲)

ط - اعلام استمهال و توقف یکجانبه آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۹۰ - ۱۹۹۳)

اتحاد جماهیر شوروی سابق آخرین آزمایش هسته‌ای خود را در سال ۱۹۹۰ انجام داد. در ۱۹۹۱ روسیه مهلت یک‌جانبه چهار ماهه‌ای را در خصوص آزمایش‌های هسته‌ای اعلام کرد. این ضرب الاجل‌ها تا سه بار پی در پی تمدید شد که آخرین آنها براساس تصمیمی بود که رئیس‌جمهور این کشور در ژوئیه ۱۹۹۳ اعلام داشت. (۲۳)

در سال ۱۹۹۳، اعضای معاهده PTBT یک کنفرانس اصلاحی را به منظور بحث و بررسی پیرامون پیشنهاد تبدیل این معاهده به سندی مبنی بر منع انواع آزمایش‌های هسته‌ای برای همیشه، تشکیل دادند. در همین سال و پس از کنفرانس اصلاحی، دولت بریتانیا نیز آخرین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. (۲۴)

در سال ۱۹۹۳، دولت تازه استقلال یافته قزاقستان اعلام کرد که مرکز آزمایش هسته‌ای واقع در نزدیکی منطقه سمیپالائینسک بسته خواهد شد. فرانسه برای توقف آزمایش‌های هسته‌ای یک مهلت یک‌جانبه تا پایان سال ۱۹۹۲ را اعلام داشت که این مدت در ژانویه ۱۹۹۳ تمدید شد، ایالات متحده آخرین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. قانون ایالات متحده (با اصلاحیه هاتفیلد)^۱ در خصوص توقف موقت آزمایش‌های هسته‌ای یک ضرب‌الاجل اعلام کرد که مدت مزبور در ژانویه ۱۹۹۳ تمدید شد. (۲۵) در همین سال، جان میجر نخست‌وزیر وقت بریتانیا، با تمدید ضرب‌الاجل توقف سلاح‌های هسته‌ای به وسیله ایالات متحده موافقت کرد.

ی - توافق در جهت مذاکره پیرامون معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۹۳-۱۹۹۱)

کنفرانس خلع سلاح ۱۹۹۳ به کمیته ویژه منع آزمایش‌های هسته‌ای خود دستور داد تا در خصوص معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای مذاکره نمایند. مجمع عمومی ملل متحد از این پیشرفت و اقدام استقبال کرد.

در سال ۱۹۹۴، بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه اعلام کرد که این کشور از امضاء CTBT در سال ۱۹۹۵ مصادف با پنجاهمین سالگرد تشکیل ملل متحد حمایت می‌کند. کیان کیچن معاون وزیر امور خارجه چین نیز افزود که مذاکرات برای انعقاد CTBT حداکثر تا سال ۱۹۹۶ باید انجام گیرد. (۲۶)

در سال ۱۹۹۵، ویلیام جی کلینتون رئیس جمهور پیشین ایالات متحده اعلام کرد که کشورش ضرب‌الاجل توقف آزمایش‌های هسته‌ای را تا هنگام لازم الاجرا شدن CTBT تمدید می‌نماید. در همین سال در کنفرانس بازنگری و تمدید NPT و پس از آن در مجمع عمومی ملل متحد درخواست شد که مذاکرات مربوط به CTBT در سال ۱۹۹۶ انجام پذیرد و ژاک شیراک رئیس جمهور پیشین فرانسه ابراز داشت که فرانسه تا مه ۱۹۹۶ به کلیه آزمایش‌های هسته‌ای پایان خواهد داد و معاهده CTBT را امضا خواهد کرد.

ک - چهارمین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۵)

در دسامبر ۱۹۹۵ معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای جنوب شرقی موسوم به معاهده بانکوک (۲۷) که منطقه آسیای جنوب شرقی را از سلاح‌های هسته‌ای عاری می‌سازد، جهت امضاء در بانکوک پایتخت تایلند مفتوح شد.

در ۲۷ ژانویه ۱۹۹۶، فرانسه آخرین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. دو روز بعد شیراک اعلام کرد که پرونده آزمایش هسته‌ای فرانسه برای همیشه بسته شده است. یک ماه بعد فرانسه اقدام به انهدام مراکز آزمایش هسته‌ای خویش در فانگاتائوما و موروروآ واقع در اقیانوس آرام جنوبی نمود.

ل - پنجمین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)

در سال ۱۹۹۶، معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آفریقا موسوم به پلیندا با^۱ مبنی بر اعلام آفریقا به‌عنوان یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، جهت امضاء در کائیرو مفتوح گردید.

چین نیز در ۲۹ ژوئیه همین سال آخرین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و اعلام کرد که روز آتی یعنی ۳۰ ژوئیه ضرب‌الاجل وی برای توقف موثر آزمایش‌های هسته‌ای آغاز خواهد شد.

م - تصویب معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای

معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای به موجب قطعنامه ۵۰/۲۴۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۶ برابر با ۲۶ شهریور ۱۳۷۵ به‌وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۱۵۸ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف (بوتان، لیبی و هند) و ۵ رأی ممتنع (کوبا، لبنان، موریتانی، سوریه، جمهوری متحده تانزانیا) به تصویب رسید. (۲۸)

این معاهده در ۲۴ سپتامبر برای امضاء کلیه دولت‌ها در مقر ملل متحد واقع در نیویورک مفتوح گردید و در همان اولین روز افتتاح معاهده یعنی ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶، ۷۶ دولت آن را امضا کردند. (۲۹) اکنون این تعداد به ۱۵۴ دولت بالغ گردیده‌اند ولی تاکنون تنها ۵۱ دولت به تصویب

آن مبادرت ورزیده‌اند.

از ۴۴ دولتی که لازم الاجرا شدن معاهده به تصویب آنها بستگی دارد، ۳ دولت از امضای آن خودداری کرده‌اند و از ۴۱ دولت امضاکننده، تنها ۲۶ دولت به تصویب آن اقدام نموده‌اند. (۳۰) جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در همان اولین روز گشایش معاهده برای امضا آن را امضا نموده ولی تاکنون تصمیمی قاطع به تصویب آن اتخاذ نکرده است. جالب اینکه در فاصله ۵۱ ساله بین نخستین آزمایش هسته‌ای در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ و انعقاد CTBT در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶ بیش از ۲۰۰۰ آزمایش هسته‌ای در سراسر جهان به ثبت رسیده است. (۳۱) این میزان آزمایش هسته‌ای، تمایل شدید دولت‌ها به گسترش کمی و کیفی، افقی و عمودی سلاح‌های هسته‌ای را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، از تعداد آزمایش‌های مذکور، کمترین نسبت آنها به آزمایش‌های صلح‌آمیز اختصاص داشته است. اما پس از انعقاد معاهده فوق، جز آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان، مورد دیگری مشاهده نشده است.

گفتار دوم - تاملی بر برخی ویژگی‌های CTBT

اینک لازم است به برخی از ویژگی‌های CTBT و نکاتی که ممکن است برای اثبات نامناسب بودن عضویت کشورهای غیر هسته‌ای به آن استناد شود، بپردازیم. همان‌طور که قبلاً گفته شد، تنها هدف این مقاله از تحلیل این ویژگی‌ها، تقویت دیدگاه‌های کشور در برخورد با معاهده مذکور و تمهید آرایه استدلال‌های قابل قبول حقوقی بوده و هرگز به معنای الزامی دانستن عضویت ایران و حتی سایر کشورهای غیر هسته‌ای در این معاهده نمی‌باشد.

الف - معاهده CTBT و حاکمیت ملی دولت‌ها

حاکمیت که به «قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر» (۳۲) اطلاق می‌شود، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده دولت - کشور و «نشانه شخصیت بین‌المللی موجودی است که در صدد تحصیل وضعیت حقوقی یکسان با سایر اعضای جامعه ملت‌ها می‌باشد». (۳۳) واقعیت این است که در جامعه بین‌المللی کنونی، اعمال حاکمیت امری مطلق نیست (۳۴) بلکه حاکمیت، به وسیله موازین و قواعد حقوق بین‌الملل محدود می‌شود. (۳۵) اساساً، تکوین

با تراضی خود دولت‌ها (۳۷) و گاه بر مبنای واقعیات و ضروریات زیست بین‌المللی (۳۸) پدیدار می‌گردد. «حقوق بین‌الملل، اصولاً صلاحیت دولت‌ها را در قلمرو مسایلی که در محدوده حاکمیت انحصاری آنها قرار گرفته، مورد شناسایی قرار داده است.» (۳۹)

بنابراین، این حقوق که پیدایی ابتدایی آن نتیجه بدیهی تحدید حاکمیت دولت‌ها است، پس از تکوین از حالت انفعال در آمده و به صورت موجودی فعال، خود بر مبنای اراده بازیگران آن یا همزیستی بین‌المللی، میزان و گستره حاکمیت دولت‌ها را مشخص نموده و به عنوان ضامنی برای حفظ حاکمیت انحصاری دولت‌ها عمل نموده است، گستره‌ای که به اقتضای ضروریات تحولات جامعه بین‌المللی، دگرگون می‌شود.

معاهدات خلع سلاح به طور عام و CTBT به طور خاص تحدیدکننده حاکمیت ملی هستند. در خصوص CTBT، این تحدید حاکمیت بسیار بیشتر و چشمگیرتر است. تحدید حاکمیت مذکور به دو گونه صورت گرفته است: اقدامات بازرسی و تایید سازمان منع آزمایش‌های هسته‌ای^۱ (CTBTO) و کسب اطلاعات امنیتی و نظامی کشورهای عضو از یک سو و استقرار دائمی تجهیزات کنترل و نظارت یا سیستم کنترل و نظارت بین‌المللی در کشورهای عضو از سوی دیگر.

حالت اخیر، محدودیتی ابتکاری است که در سایر معاهدات خلع سلاح سابقه ندارد ولی حالت اول امری مسبوق به سابقه است. بند ۴۶ بخش دوم ضمیمه دوم و بند ۱۴ ضمیمه سوم کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی - که از جمله بند ۶ ماده ۲ CTBT، عیناً از بند اخیر اقتباس شده است - پیشینه این مسأله را نشان می‌دهد. (۴۰)

اگر چه حساسیت دولت‌ها نسبت به حفظ حاکمیت دولت‌ها در برخی موارد قابل حمایت به نظر می‌رسد لیکن گرایش به سمت اندیشه حاکمیت مطلق دولت‌ها، به معنی بی‌توجهی به واقعیات موجود در عرصه بین‌المللی است. به عبارت دیگر، روند تدوین و توسعه تدریجی حقوقی بین‌الملل نشان می‌دهد که در نظم نوین حقوقی بین‌المللی، تئوری حاکمیت مطلق دولت‌ها هیچ‌گونه جایی ندارد.

نتیجه اینکه معاهدات بین‌المللی به طور اعم، با ایجاد تعهدات بین‌المللی بر دولت‌های عضو - بر مبنای رضایت آنها به متعهد شدن در قبال آن معاهدات - آنان را وادار می‌سازند که مطابق با

نظم خاصی که مورد نظر آن معاهدات است عمل نمایند. به این ترتیب، خواه ناخواه استقلال عمل مطلق دولت‌های عضو تحدید می‌گردد. به عبارت بهتر، تحدید استقلال عمل، در نفس "تعهد" نهفته است و به‌ویژه هرگونه "تعهد" بین‌المللی این دولت‌ها، آنان را به حرکت در مسیر و جهتی خاص وا می‌دارد و در نتیجه اختیارات به اصطلاح مطلق آنان را محدود می‌نماید. این محدودیت، نتیجه رضایت مشترک کشورهای مذاکره‌کننده می‌باشد.

بدیهی است که در معاهدات راجع به خلع سلاح و کنترل تسلیحات به دلیل ویژگی‌های موضوعی خاص خویش و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی تخصصی نظارت بر اجرای تعهدات آنها، این تحدید حاکمیت بسیار چشمگیرتر و نمایان‌تر می‌باشد. بنابراین، این استدلال احتمالی که پیوستن به CTBT حاکمیت ملی را محدود می‌کند و به همین دلیل نباید به عضویت آن در آمد، استدلالی نیست که از نظر حقوقی قابل قبول بوده و افکار عمومی جهانی را قانع نماید. تجربه اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و اقدامات کنترل و نظارت سازمان منع سلاح‌های شیمیایی^۱ (OPCW) نیز بیهوده بودن نگرانی مذکور را ثابت کرده است.

از سوی دیگر، بندهای ۵ تا ۹ ماده ۳ CTBT محدود فعالیت نظارتی سازمان CTBT را نشان می‌دهد. همچنین در مقابل اختیارات تیم بازرسی سازمان مذکور، دولت بازرسی شونده هم اختیار دارد از تأسیسات، اقدامات یا محل‌های حساسی که ربطی به این معاهده ندارند، حفاظت کند و آنها را از دید بازرسان دور نماید. بنابراین، بین ضرورت نظارت بر حسن اجرای تعهدات راجع به صلح و امنیت بین‌المللی از یک سو و ضرورت مستثنی ماندن مسائل واقع در حوزه صلاحیت داخلی دولت‌ها (بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد)، نوعی تعادل نظری و عملی برقرار شده است اگرچه طرف مقابل یعنی سازمان‌های بین‌المللی، موضعی قوی‌تر دارند.

اگر چه مفهوم «تأسیسات، اقدامات یا محل‌های حساس بدون ارتباط با معاهده» مشخص نیست و همین موجب نقش آفرینی دولت‌های قدرتمند در ارایه تفسیرهای دلخواه می‌شود ولی به هر حال تقابل این دو حق و ضرورت مذکور به گونه‌ای است که به قول معروف «قدرت، قدرت را متوقف می‌کند» و همین امر، باعث نوعی تعادل می‌شود که اینک فعالیت چند ساله OPCW در خصوص خلع سلاح شیمیایی، این امر را به اثبات رسانده است. از طرف دیگر، رویه و عملکرد بعدی و جمعی دولت‌های عضو CTBTO و همچنین خود سازمان مذکور در

پراکندن خلاهای مذکور کارساز خواهد بود و در اینجاست که کشورهای در حال توسعه - در صورت عضویت - باید در این خصوص اهتمام ورزند.

ب - همکاری و مشورت میان دولت‌های عضو و دکترین شناسایی ضمنی دولت

علی‌رغم آنکه در تاریخ حقوق بین‌الملل، درباره ماهیت اعلامی یا تاسیسی «شناسایی»، نظرات مختلفی ارایه شده است ولی می‌توان گفت که شناسایی از یک ماهیت مرکب اعلامی - تاسیسی برخوردار است. در واقع از نظر شخصیت دولت، ماهیت اعلامی و تاییدی دارد ولی از حیث اجرای برخی حقوق آن، تاسیسی می‌باشد. یعنی بدون شناسایی، بسیاری از حقوق آن دولت نظیر حق ایجاد روابط دیپلماتیک و کنسولی، قابل اعمال نخواهد بود. این امر در نظریات ریور، فوشیل و هاید از یک سو و کلسن، وردروس، کونز و گوگنهایم از طرف دیگر مطرح شده است. (۴۱)

اما براساس حقوق بین‌الملل معاصر، عدم شناسایی به معنای نداشتن تکلیف نیست (۴۲) بلکه برخی از اصول و قواعد حقوقی به قدری فراگیر هستند که بدون توجه به مسأله شناسایی، بر واحدهای موسوم به دولت اعمال می‌گردند و دولت شناسایی نکننده نیز نمی‌تواند از اجرای آنها در برابر واحدی که عموماً و حتی به‌طور محدود به‌عنوان «دولت» شناخته و شناسایی شده است، خودداری ورزد. (۴۳) دولت جدید، وضعیتی عینی است که علی‌رغم شناسایی مثلاً نمی‌تواند مورد تجاوز قرار گیرد. (۴۴) در خصوص دگرگونی آثار و اهمیت حقوقی نهاد شناسایی در جامعه بین‌المللی امروز و گسترش الزامات ناشی از زیست‌جمعی، گفته می‌شود که با تاسیس سازمان ملل متحد و به‌ویژه عضویت گسترده دولت‌ها در آن، دیگر مسأله شناسایی، اهمیت قبلی خود را از دست داده است. (۴۵)

نظر به اینکه عدم شناسایی به معنی نداشتن تکلیف نیست، بنابراین فراخواندن دولت شناسایی نشده به اجرای تعهداتی که حقوق بین‌الملل برای آن واحد مقرر کرده است و حتی اقامه دعوی به معنای شناسایی آن نیست و «کلید دولت‌های خودداری کننده از شناسایی می‌توانند دولت شناسایی نشده را مورد اقامه دعوی بین‌المللی و اتهام تجاوز و سایر تخلفات از منشور ملل متحد قرار دهند». (۴۶)

شناسایی نشده ملازمه‌ای با شناسایی ضمنی آنها به عنوان دولت ندارد. (۴۷) ولی آیا عضویت در معاهده CTBT بر شناسایی ضمنی دولت‌های عضو موثر است؟ تعهد به همکاری با یکدیگر در چارچوب نظام معاهده‌ای مستلزم شناسایی آنها توسط یکدیگر می‌باشد؟

شناسایی، عملی مبتنی بر قصد و رضا است (۴۸) و عقیده غالب رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که عضویت در معاهده چند جانبه‌ای که واحد شناسایی نشده نیز عضو آن است، از جمله منشور ملل متحد، موجب شناسایی ضمنی آن واحد تلقی نمی‌شود. (۴۹)

پذیرش عضویت در سازمان ملل متحد به معنای آن است که از نظر سازمان به عنوان یک شخص و تابع مستقل حقوق بین‌الملل، آن واحد یک «دولت» می‌باشد ولی این امر بر اساس اصل نسبی بودن آثار عملکردهای سازمان‌های بین‌المللی (که نتیجه منطقی استقلال شخصیت حقوقی آنها است)، به اعضای آن تسری نمی‌یابد.

آنچه در خصوص سیستم ملل متحد گفته شد، مختص به آن نبوده و در خصوص کلیه معاهدات بین‌المللی چند جانبه تاسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله معاهده CTBT صادق است. بنابراین، این تصور که عضویت ایران در CTBT و در نتیجه سازمان آتی منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای به معنای شناسایی ضمنی اسرائیل است، (۵۰) تصویری صحیح نبوده و از طرف دیگر نباید به خاطر مساله شناسایی، از متذکر شدن نقض حقوق بین‌الملل به رژیم اسرائیل و فراخواندن آن به اجرای تعهدات بین‌المللی خودداری شود.

ج - مصونیت‌ها و مزایای سازمان CTBT و کارگزاران آن و صلاحیت قضایی دولت‌ها

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مصونیت^۱ به مستثنی شدن برخی افراد از شمول صلاحیت قانونی دولت میزبان اطلاق می‌شود و مزایای^۲ تمهیداتی اساساً نژادگتی است که در پی انعقاد کنوانسیون وین ۱۹۶۱ روابط سیاسی، حالت حقوقی یافته و برخی اشخاص را از شمول پاره‌ای قواعد عام مالیاتی، گمرکی و اداری ملی معاف می‌سازد. (۵۱)

وضعیت مصونیت‌ها و مزایای بین‌المللی در CTBT به تبعیت از کنوانسیون سلاح‌های

شیمیایی، به دو صورت مقرر شده است:

اول - مصونیت‌ها و مزایای بازرسان، کمک بازرسان و سایر کارکنان دبیرخانه فنی در حین بازرسی‌ها، که این موارد در بند ۲۶ تا ۳۱ بخش دوم پروتکل معاهده مشخص شده است.

دوم - مصونیت‌ها و مزایای کارکنان دبیرخانه و کارشناسان سازمان در مواقع غیر از بازرسی‌ها، مصونیت‌ها و مزایای سازمان و نمایندگان دولت‌های عضو. در معاهده CTBT، فقط کلیت این دسته از مصونیت‌ها و مزایا مطرح شده و جزئیات آن باید در معاهدات میان دولت‌های عضو و سازمان تصریح و تعیین گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد که مصونیت و مزایای سازمان و کارگزاران و همچنین هیأت‌های نمایندگی دولت‌های عضو CTBT آن باید در معاهدات میان سازمان و دولت‌های عضو به‌ویژه قرارداد مقرر تصریح گردد ولی این مصونیت‌ها و مزایا در خصوص "بازرسان در حین بازرسی" نباید از آنچه در ماده ۲ و پروتکل معاهده تصریح شده، کمتر باشد. انعقاد معاهدات مصونیت و مزایا چندان که برخی تصور می‌کنند، بیهوده نیست بلکه واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که حسن انجام وظایف محول شده به آنان بستگی تام به وجود مصونیت‌های مذکور دارد. پس نمی‌توان رژیم مصونیت‌ها و مزایای مقرر در CTBT را موضوعی برای ارزیابی عضویت یا عدم عضویت در آن تلقی کرد.

در پاسخ به امکان ممانعت از اعمال مصونیت‌ها و مزایای مذکور در ایران باید گفت که مفاد کنوانسیون وین ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک، تدوین قواعد عرفی عام بوده است (۵۲) که در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری هم به آن اشاره شده است. (۵۳) یعنی همه کشورها بر بنای عملکرد خود، اعتقاد راسخ (opinio juris) خویش به لزوم وجود این قواعد را نشان داده‌اند. (۵۴) از سوی دیگر، دولت ایران عضو این معاهده می‌باشد. (۵۵) از این رو، کنوانسیون مذکور از جمله تعهدات بین‌المللی قراردادی و عرفی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (۵۶)

از طرف دیگر، پذیرش مصونیت برخی اشخاص، مغایرتی با حقوق داخلی ایران ندارد. زیرا از یک سو مصونیت، ماهیتاً یکی از استثنائات اصل سرزمینی بودن قوانین و به عبارت دیگر از جمله موارد تحدید کننده حاکمیت ملی است. (۵۷) حذف مصونیت‌ها و مزایای بین‌المللی مذکور، حداقل از نظر واقعیات و ضروریات روابط بین‌المللی، امری محال است. از سوی دیگر مصونیت‌ها و مزایای بازرسان، کمک بازرسان و سایر کارکنان دبیرخانه فنی در حین انجام

بازرسی‌ها، در خود معاهده گنجانده شده و وقتی مراجع صلاحیتدار داخلی ایران (مجلس شورای اسلامی) بر اساس قانون اساسی آن را تصویب نمایند و سایر مراحل ضروری داخلی آن یعنی تایید، توشیح (امضا)، تودیع یا انتشار صورت پذیرد، بدین معناست که خود وجود آن قواعد و عدم مغایرت آنها با منابع داخلی توسط مقامات صلاحیتدار پذیرفته شده است. (۵۸) از این رو، پس از تصویب و تودیع، دیگر استناد به مقررات حقوق داخلی برای توجیه عدم اجرای یک تعهد بین‌المللی، از نظر حقوق بین‌المللی مسموع نخواهد بود. (۵۹)

از سوی دیگر، بند ۲۹ بخش پروتکل، مسأله برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی را که در ماهیت مصونیت نهفته و مستتر است با تدابیری نظیر مشورت و رایزنی همراه کرده تا اختلاف‌نظرها و مشکلات احتمالی مربوط به اعمال مصونیت در کشورهای عضو رفع گردد. مشورت و رایزنی کشور عضو بازرسی شونده (ISP)^۱ و مدیر کل CTBTO باعث می‌شود که بازرسان تا حد امکان مقررات حقوقی ISP را رعایت نمایند. از نظر حقوق بین‌الملل و رعایت منافع جامعه بین‌المللی، هیچ دولتی حق ندارد با توسل به دستاویزهایی نظیر مداخله در امور داخلی، رعایت حقوق داخلی و نظایر آن، بازرسان را از اجرای وظایف بین‌المللی خویش که منافع جامعه بین‌المللی به آن بستگی دارد، باز دارد. برخورد منفعت‌مندی با منافع جامعه بین‌المللی در این خصوص مستلزم تعادلی است که بند ۲۹، آن را ایجاد کرده است. با این حال این بند، نوآوری CTBT نیست. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC)^۲ نیز دارای چنین مفادی است که در بندهای ۱۰ تا ۱۵ بخش دوم ضمیمه دوم آن پیش‌بینی شده است. CTBT مفاد خود را در خصوص مصونیت و مزایا، عیناً از CWC اقتباس کرده است. این امر گویای این است که مواد مذکور برآمد اعتقاد راسخ اکثر دولت‌ها هستند. در ضمن، با توجه به استقرار مقر سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در تهران و تصویب قرارداد مقرر توسط مجلس شورای اسلامی که دارای همان مصونیت‌ها و مزایای کنوانسیون ۱۹۶۱ است، شکی نیست که این مسأله نمی‌تواند مبنایی کلیدی برای جهت‌گیری ملی در خصوص عدم عضویت در یک معاهده بین‌المللی باشد. (۶۰)

برخلاف برخی دیدگاه‌های سیاسی، رژیم حقوقی مصونیت و مزایای بازرسان به معنی «بلاعقاب گذاردن ارتکاب اعمال مجرمانه و نوعی کاپیتولاسیون واجد ضمانت اجرای

بین‌المللی و یا موجب خدشه‌دار شدن صلاحیت قضایی کشور» نیست. ماهیت مصونیت، مستثنی شدن افراد برخوردار از مصونیت از شمول صلاحیت قانونی کشور میزبان است که این امر به غایت و فلسفه ایجاد مصونیت یعنی انجام مناسب و فارغ از دغدغه و ظایف بین‌المللی توسط بازرسان برمی‌گردد. اگر مصونیت نباشد، ISP به راحتی خواهد توانست با متهم کردن بازرسان به ارتکاب یک عمل جنایی و حتی با صحنه‌سازی وی را از روند بازرسی خارج نماید. به همین دلیل است که مصونیت نمایندگان سیاسی به هزاران سال و مصونیت و کارگزاران بین‌المللی از سابقه پنج، شش دهه برخوردار گردیده است.

در این حال، منافع جامعه بین‌المللی اقتضا دارد که اصل مصونیت جاری گردد، اما مصونیت به معنای عدم مسئولیت^۱ نیست. (۶۱) از این رو در روابط دیپلماتیک، دولت فرستنده می‌تواند فرد مذکور را البته در محاکم داخلی خود و طبق قانون خود مورد محاکمه و مجازات قرار دهد و حتی می‌تواند با سلب مصونیت وی، به دولت پذیرنده یا سرزمینی اجازه محاکمه و مجازات وی را بدهد. (۶۲)

در روابط دولت - سازمانی، سلب مصونیت اصولاً بر عهده رئیس سازمان مذکور (دبیرکل، مدیرکل و...) است. (۶۳) وی که ریاست دبیرخانه را برعهده دارد باید پس از ملاحظه منافع جامعه بین‌المللی از یک سو و منافع دولت سرزمینی از سوی دیگر در مورد بقا یا سلب مصونیت کارگزار سازمان تصمیم بگیرد. بدیهی است که منافع جامعه بین‌المللی و اجرای یک معاهده چندجانبه نامحدود، بر منافع ملی دولت سرزمینی برتری دارد. باید به مدیرکل CTBTO این حق را داد که اجرای معاهده را بر اعمال صلاحیت قانونی ISP ترجیح داده و حتی اگر واقعاً هم مرتکب جرمی شده باشد ولی سلب مصونیت وی موجب خدشه‌ای در اجرای معاهده گردد، بقای مصونیت را مقرر دارد.

البته احتمال وقوع جرایمی نظیر قتل، تجاوز به عفت، براندازی، ترور مقامات سیاسی توسط بازرسان معقول به نظیر نمی‌رسد. چراکه بازرسان از لحظه ورود به نقطه ورودی تا خروج از آن مشمول یک سلسله اقدامات حفاظتی و امنیتی خاص با همکاری سیستم‌های اطلاعاتی ISP هستند. از سوی دیگر، این ISP است که مکلف است با ایجاد اقدامات حفاظتی و امنیتی مواظب باشد که این بازرسان که به قولی احتمال ارتکاب جرایم آن‌چنانی دارند، به انجام آنها

موفق نگردند. اساساً مدیر کل سازمان، حیات و اعتبار سازمان متبوع خود را درخصوص ارتکاب، تجاوز به عنف و... در یک کشور عضو ترجیح می‌دهد و بدین ترتیب، از اعمال جنایی کارمند متخلف که حیثیت و اعتبار سازمان‌های مربوطه را خدشه دار کرده، حمایت نمی‌کند. از این رو، اگر اسناد و دلایل محکمی بر وقوع آن جرایم توسط بازرسان، از سوی ISP به وی ارائه شود، وی از بازرسی مذکور سلب مصونیت خواهد کرد و این دیپلماسی فعال و موفق ISP است که موفقیت این‌گونه ادعاها را تضمین می‌کند.

پس تعادلی که در بند ۳۰ پروتکل ایجاد شده، با توجه به وضعیت روابط بین‌المللی کاملاً طبیعی است. البته این بند نیز نوآوری CTBT نیست بلکه قبلاً از جمله در بند ۱۴ بخش ۲ ضمیمه دوم CWC آمده بود و حتی بند ۳۰ پروتکل عیناً از بند ۱۴ مذکور اقتباس شده است. ناگفته پیداست که در حقوق بین‌الملل، در مواردی که اجرای آن بین صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت ناسازگاری ایجاد می‌کند، صلح و امنیت بین‌المللی برتری دارد. (۶۴) پس تعبیر برخی از کارشناسان روابط بین‌الملل از مصونیت بازرسان بین‌المللی به «نوعی کاپیتولاسیون واجد ضمانت اجرای بین‌المللی» نگاه مضیق به وضعیت روابط بین‌المللی و برگرفته از همان تعبیر «حاکمیت مطلق دولت‌ها» است که در حقوق بین‌الملل نوین جایگاهی ندارد.

د- ماهیت همکاری و معاضدت قضایی در اجرای CTBT

بر اساس بند ۲ ماده ۳، هر دولت عضو باید به منظور تسهیل اجرای تعهدات مندرج در بند ۱ با سایر دولت‌های عضو همکاری نموده و شیوه خاصی را برای ارزیابی همکاری و معاضدت قضایی اتخاذ نماید. (۶۵)

بند ۲ ماده ۳، به‌طور اتوماتیک و مستقیم، بین دولت‌های عضو معاضدت قضایی را برقرار نمی‌سازد. این معاضدت نیازمند و مستلزم توافق و تراضی دولت‌های عضو در ابعاد دو یا چند جانبه است تا سیستم معاضدت قضایی مورد نظر را با جزئیات آن، برای اجرای بهتر بند ۱ همان ماده ایجاد نمایند. مقصود از «معاضدت قضایی» به هیچ وجه این نیست که اگر یک کشور از کشور دیگر درخواست کرد که یک فرد متهم به فعالیت در زمینه آزمایشات هسته‌ای را بازداشت و یا اطلاعاتی در خصوص این اقدامات را در خواست نماید، طرف دیگر هم ملزم به قبول درخواست و ارسال اطلاعات مذکور باشد. معاضدت قضایی به استرداد مجرمین،

دائری، انتقال زندانیان و نظایر آن (۶۶) اطلاق می‌شود که همگی آنها مستلزم انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه میان دولت‌های ذینفع می‌باشند.

ایراد این بند نامفهوم بودن مقصود از «همکاری و شکل مناسب معاوضت قضایی» است. (۶۷) ولی در هر حال، اصطلاح «شکل مناسب» یا «Appropriate Form» نشان می‌دهد که صرف بند ۳ ماده ۲، موجد برقراری معاوضت قضایی بین دولت‌های عضو نبوده بلکه این امر به انعقاد معاهدات بین‌المللی معاوضت قضایی نیازمند است و دولت‌های عضو بر مبنای صلاحیت خویش به صورت دو یا چندجانبه به انعقاد معاهده همکاری و معاوضت قضایی اقدام می‌کنند.

بنابراین، همچنانکه در خصوص «همکاری میان دولت‌های عضو» گفته شد، «همکاری و معاوضت قضایی» نیز حالت اتوماتیک نداشته بلکه مستلزم انعقاد معاهده می‌باشد و با توجه به اینکه مبنای اولیه انعقاد معاهدات و یکی از ارکان بنیادین آن «رضایت سالم» دولت‌ها می‌باشد، (۶۸) انعقاد معاهده همکاری و معاوضت قضایی میان ایران و رژیم صهیونیستی، تصویری محال می‌باشد و نمی‌تواند در مورد تحلیلی نوع رویکرد کشورمان به عضویت در CTBT مورد استناد قرار گیرد.

ه - تجهیزات فنی ملی و مبانی در خواست بازرسی از دولت‌های عضو

مقصود از «ابزارهای فنی بازرسی و تأیید»، دستگاه‌های و تأسیسات لرزه‌نگاری، دریافت امواج زیر آب، مادون صوت و یا پرتوهای هسته‌ای و هرگونه تجهیزات دیگر نظیر ماهواره است ولی نقطه اشتراک این تجهیزات، خارج بودن آنها از سیستم کنترل و نظارت بین‌المللی (IMS)^۱ و مرکز بین‌المللی داده‌ها (IDC)^۲ است. امکان استفاده از داده‌ها و نتایج حاصله از تجهیزات فنی ملی برای درخواست بازرسی در بندهای ۵ و ۳۷ ماده ۴ CTBT، پیش‌بینی شده است. (۶۹)

برخی عقیده دارند که بر اساس بند ۵ ماده ۴، هر دولت عضو از جمله رژیم صهیونیستی می‌تواند با استناد به اطلاعات مکتسبه از چنین ابزارهایی، مدعی تخلف یک کشور متعاقد دیگر از موازین معاهده گشته و خواستار آغاز فرایند «کسب توضیح و تحقیق و بازرسی» در مورد کشور متهم گردد.

باید گفت که علی‌رغم تصریح بند ۳۷ ماده ۴ که به ظاهر تجهیزات فنی ملی را مبنای مستقل برای درخواست بازرسی تلقی کرده است ولی با توجه به سایر مفاد آن معاهده، به نظر می‌رسد که تجهیزات فنی ملی، امکانات تکمیلی است و به طور مستقل مبنای تصمیم‌گیری واقع نخواهد شد. در واقع، بند ۵ ماده ۴، کلیات بندهای ۲۷ و ۲۸ همان ماده است که به Co-Operating National Facilities اشاره دارد.

بنابراین، در مواقعی که تجهیزات IMS در یک کشور مثلاً عیب و نقص داشته باشد، دولت مذکور می‌تواند با استناد به اطلاعات دریافتی تجهیزات فنی ملی، در خواست بازرسی نماید. بدیهی است که در این موارد صرف این اطلاعات نمی‌تواند مبنایی برای پذیرش بازرسی باشد. بلکه اطلاعات IMS مستقر در کشورهای عضو دیگر یا حداقل کشورهای عضو مجاور دولت متهم و از سوی دیگر داده‌های IDC، تعیین‌کننده خواهد بود. بعید به نظر می‌رسد که سازمان به اطلاعاتی که صرفاً از تجهیزات فنی مثلاً متعلق به رژیم صهیونیستی به دست آمده است، بازرسی از جمهوری اسلامی ایران را تایید کند. بند ۴۴ ماده ۴ نیز به این اشاره می‌نماید.

بنابراین حتی اگر تجهیزات فنی ملی بتواند مبنایی مستقل برای بازرسی باشد، رهیافت چراغ سبز^۱ برای انجام بازرسی‌ها یعنی لزوم کسب موافقت ۳۰ عضو شورای اجرایی با انجام بازرسی، این امر را تعدیل می‌نماید. (۷۰) البته این امر بستگی به جایگاه کشور در عرصه روابط بین‌المللی به هنگام بررسی در خواست بازرسی دارد. به عبارت دیگر، رهیافت چراغ سبز تنها برای کشورهای مفید است که در میان اعضای شورای اجرایی CTBTO به اندازه کافی طرفدار داشته باشند.

گفته می‌شود صحنه‌سازی این رژیم با کمک کشورهای دیگر یا کارکنان IDS، یکی از مواردی است که برای اعتراض به رژیم حقوقی CTBT می‌توان به آن استناد کرد. در پاسخ به نظر می‌رسد که این احتمال در همه جا و در هر شکل بین‌المللی وجود دارد. در حالی که این احتمال تاکنون واقعیت پیدا نکرده است و حتی صرف احتمال نمی‌تواند عدم پدیداری تحولات و نهادهای بین‌المللی یا توقف آنها را توجیه نماید.

بنابراین، استناد نقش "تجهیزات فنی ملی" در انجام بازرسی، استدلال آن چنان قانع‌کننده‌ای نیست که به تنهایی بتواند خودداری یک کشور از عضویت در CTBT را توجیه نماید. زیرا

داده‌های ناشی از این تجهیزات، صرفاً مبنایی تکمیلی برای بازرسی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

اینکه در وضعیت فعلی، منع «جامع» آزمایش هسته‌ای یک قاعده حقوق بین‌الملل تلقی شود (۷۱) بسیار شگفت می‌نماید. زیرا هنوز حدود بیست کشور از مجموع ۴۴ احصاء شده در ضمیمه دوم CTBT به‌ویژه چین از تصویب آن خودداری ورزیده (و حتی سه کشور از آنها هم حتی آن را اصلاً امضا هم نکرده‌اند) و شرط لازم الاجرا شدن معاهده به‌عنوان توسعه حقوق بین‌الملل فراهم نشده است. توجه التزامی جامعه بین‌المللی به مسأله منع «جامع» آزمایش‌های هسته‌ای بدون آنکه در قالب معاهده در حال اجرا یا قاعده‌ای عرفی در آمده باشد، خودبه‌خود به معنای تکوین قاعده حقوقی نیست. در واقع، این قاعده هنوز وارد سیستم حقوق بین‌الملل نشده است.

در اثبات فقدان قاعده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و به عبارت دقیق‌تر ممنوع نبودن آزمایش هسته‌ای زیر زمینی (خواه نظامی یا صلح‌آمیز) در حقوق بین‌الملل می‌توان به آزمایش‌های هند و پاکستان در مه ۱۹۹۸ و عدم عکس‌العمل مؤثر مجامع حقوقی بین‌المللی اشاره کرد. شورای امنیت بلافاصله این آزمایش‌ها را محکوم کرد. اما با توجه به توصیه‌ای بودن نتایج این قطعنامه و عدم استناد آن به فصل هفتم منشور و حتی سکوت بعدی این شورا در پی‌گیری محتوای آن و یا اتخاذ شیوه‌ای قاطع‌تر در قبال آزمایش‌های موشکی سال ۲۰۰۲ این دو کشور، به نظر می‌رسد که نمی‌توان این اقدام شورا را دلیل وجود قاعده‌ای مسلم در حقوق بین‌الملل در زمینه ممنوعیت عرفی انجام آزمایش‌های هسته‌ای تلقی کرد.

بر خلاف نظر برخی علمای روابط بین‌الملل، این آزمایش‌ها در پرتو اعتراض آنها به تبعیض آمیز بودن NPT صورت نگرفته (۷۲) بلکه اگر آنها را همان‌طور که خود آن کشورها اعلام کرده‌اند - آزمایش صلح‌آمیز تلقی نماییم - کاملاً در راستای معاهده مذکور انجام شده‌اند. زیرا ماده ۶ NPT، آزمایش‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را منع نمی‌نماید و آن را حق بنیادین هر کشور می‌داند و اگر آنها را آزمایش‌هایی با اهداف نظامی محسوب نماییم - که احتمال این امر بسیار زیاد است - هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که صراحتاً چنین آزمایشی را منع نماید و بر اساس اصل حاکمیت دولت‌ها و حق اصول دولت‌ها به انجام اعمالی که به سطح حقوق بین‌الملل

از طرف دیگر، این ادعا که «با فن آوری امکان اینکه کشورها به آزمایش هسته‌ای مبادرت کنند ولی از دید جامعه جهانی مخفی شود، وجود ندارد» (۷۳) صحیح به نظر نمی‌رسد. چراکه پیشرفت فن آوری برخی از قدرت‌های هسته‌ای به‌ویژه ایالات متحده و حتی چین و روسیه امکان آزمایش با انفجار درونی^۱ و با پرتوهای بسیار خفیف و غیر قابل کشف را اجازه می‌دهد و در هر صورت، برای آنان دیگر انجام آزمایش انفجاری بیرونی از صرفه اقتصادی برخوردار نبوده و به آزمایش‌های مبتنی بر شبیه‌سازی روی آورده‌اند. (۷۴) نکته اینجاست که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) نیز این امر را اذعان داشته است. (۷۵)

معاهده CTBT اگرچه در تئوری، مانع گسترش کمی و کیفی، افقی و عمودی سلاح‌های هسته‌ای می‌شود لیکن ترتیبات مقرر در آن در عمل قادر به تحقق اهداف مذکور نیست و همانند NPT، صرفاً وسیله‌ای برای محدود کردن دامنه قدرت‌های هسته‌ای و جلوگیری از گسترش افقی این سلاح‌ها خواهد بود.

دولت‌های غیرهسته‌ای باید با تلاش برای بازسازی و بازنگری مفاد CTBT، در مقابل تهدیدهای قدرت‌های هسته‌ای تضمینی امنیتی برای خود کسب نمایند و ضعف‌های ناشی از NPT را در این خصوص، مرتفع سازند. (۷۶) بدیهی است که دیپلماسی قدرتمند و زیرکانه این دولت‌ها، یکی از موثرترین تدابیر در دستیابی به راهکارهای مذکور خواهد بود.

اینکه قدرت‌های هسته‌ای در عمل به NPT و تعهد به جلوگیری از سلاح‌های هسته‌ای جدی بوده یا هستند، (۷۷) صحیح به نظر نمی‌رسد. بلکه آنها صرفاً سعی در اجرای مواد ۱ و ۴ آن داشته‌اند یعنی جلوگیری از دستیابی بازیگران خارج از باشگاه هسته‌ای به سلاح‌های هسته‌ای و بر هم خوردن موازنه موجود قدرت.

گسترش عمومی سلاح‌های هسته‌ای و اتمی و دستیابی تمام کشورها به آن، نه تنها ضامن توازن قدرت یا امتیازات (۷۸) نیست بلکه باید با والتز هم‌صدا شد که گسترش این سلاح‌ها موجب بی‌ثباتی نظام بین‌المللی خواهد شد. (۷۹) از این رو، باید با طرح مسأله انهدام سلاح‌های هسته‌ای و انعقاد کنوانسیون پیرامون آن که کلیه قدرت‌های هسته‌ای به آن متعهد گردند، راه‌حلی نهایی است که نابرابری‌های ناشی از NPT را جبران خواهد کرد.

عقیده دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۹۶ به «تعهد دولت‌های دارای سلاح

هسته‌ای به پی‌گیری و انجام اقدامات مؤثر برای خلع سلاح هسته‌ای و برچیدن کلیه این سلاح‌ها در مدت زمان معین» (۸۰) ضرورت انعقاد معاهدات پوشش دهنده خلع سلاح هسته‌ای در کلیه جهات آن را مقرر می‌دارد. اگرچه برخی از حقوق‌دانان، عقیده دیوان را صرفاً «تعهد به مذاکره»^۱ تلقی نموده‌اند و حتی آن را حامل تعهدی برای قدرت‌های هسته‌ای به شمار نمی‌آورند، (۸۱) طبق قسمت F (۲) بند ۱۰۴ رأی مذکور «تعهد به انعقاد قرارداد»^۲ تلقی می‌گردد.

دلیل اینکه برچیدن سلاح‌های هسته‌ای در وضعیت فعلی با مشکل روبه‌رو شده است بیشتر اتکای قدرت‌های هسته‌ای بر سیاست بازدارندگی هسته‌ای (۸۲) است. این مفهوم تهی از هرگونه ارزش حقوقی، مانع اعلام عدم مشروعیت کاربرد این سلاح شده است. (۸۳) لیکن حفظ و پایداری صلح و امنیت بین‌المللی حال و آتی و در دیدی عمیق‌تر، حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های فعلی و آینده بشریت، به ممنوعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و انهدام کامل آنها و هرگونه بازدارندگی نامتعارف و هسته‌ای بستگی تام دارد. در غیر این صورت برابری دولت‌ها اقتضا دارد که حق دستیابی به این سلاح‌ها باید برای سایر کشورها نیز به رسمیت شناخته شود که این امر هم غیرممکن و نامعقول است. بهترین راه‌حل آن است که در جهانی که دارندگان قدرت هسته‌ای مانع گسترش این سلاح در میان سایر کشورها می‌شوند، خود آنها نیز به این ممنوعیت‌ها پای‌بند باشند.

اگرچه ایران هرگز در پی انجام آزمایش هسته‌ای به‌ویژه برای مقاصد نظامی نبوده است (۸۴)، پیوستن به رژیم حقوقی کنونی CTBT به لحاظ تعهدات فراگیر و گسترده آن، به مصلحت کشور نمی‌باشد و تا موقعی که ایرادات متعدد و بنیادین معاهده مذکور و امکان تجدید خاطره ناگوار معاهده نابرابر NPT مرتفع نشود یا امتیاز مناسبی از قبیل آن عاید کشور نشود، باید از طریق ارزیابی استدلال‌های محکم در برابر آن ایستادگی شود. هماهنگی کشورهای در حال توسعه در قالب جنبش عدم تعهد، گروه هم‌فکر و نظایر آن و انعکاس موضع خویش در مخالفت جدی با رژیم نابرابر CTBT، موفقیت آنها را تضمین خواهد کرد.

بدیهی است که استناد به موضوعاتی نظیر «ملازمه عضویت ایران در CTBT با شناسایی رژیم اسرائیل؛ تلقی رژیم مصونیت و مزایای سازمان CTBT به‌عنوان خدشه‌دار شدن حاکمیت قضایی ایران و یا اطلاق رژیم CTBT به مثابه مشروعیت مداخله در امور داخلی دولت‌ها»، هرگز

استدلال‌های محکم و قابل قبول حقوقی نبوده و در این راستا، توفیقی حاصل نخواهد کرد. به نظر می‌رسد که ایرادات عمده وارده بر مفاد CTBT عبارتند از: جامع نبودن ضمیمه دوم معاهده و عدم پیش‌بینی لزوم عضویت برخی از کشورهای دارای توان هسته‌ای نظیر عراق برای لازم‌الاجرا شدن CTBT، تردید نسبت به کارایی سیستم بین‌المللی کنترل و نظارت مندرج در معاهده و به‌ویژه تحصیل اطلاعات محرمانه کشورها، فقدان تعریفی روشن و صریح از «آزمایش هسته‌ای» و «سلاح هسته‌ای» در این معاهده و سایر منابع معتبر حقوقی بین‌المللی، نقص قلمرو موضوعی معاهده و عدم شمول آن بر آزمایش‌های مبتنی بر شبیه‌سازی یا در سطح محدود، و عدم شمول معاهده نسبت به تدارک مقدمات آزمایش هسته‌ای (۸۵).

سازوکار لازم‌الاجرا شدن CTBT، یکی از نوآوری‌ها و پدیده‌های نوظهور در حقوق بین‌الملل است که در این خصوص برای کلیه ۴۴ کشور احصا شده در ضمیمه دوم آن، نوعی حق و تو قایل شده است. بدیهی است که این امر گرچه موجب گروگان گرفته شدن CTBT توسط برخی از آن کشورها می‌شود لیکن تنها راه قدرت اجرایی یافتن CTBT نیست. چرا که پذیرش آن توسط اکثریت کشورها به‌ویژه قدرت‌های هسته‌ای، موجب عرفی شدن مفاد آن می‌شود و از این حیث، اصولاً مفاد آن به سایر کشورها نیز تعمیم می‌یابد. پس باید از طرق مختلف، مانع عرفی شدن محتوای زیانبار این معاهده نابرابر شد و اصرار بر مخالفت با آن (جز در صورت تأمین حداکثر امتیاز ممکن)، یکی از این طرق خواهد بود.

یادداشت‌ها:

1 - UNGA Res 50/245, 17 Sep. 1996.

۲ - در جریان مذاکراتی که در چارچوب کمیته ویژه منع آزمایش‌های هسته‌ای (کنفرانس خلع سلاح) درخصوص تدوین CTBT صورت می‌گرفت، دولت چین با تکیه بر همین مسأله، خواستار عدم جامعیت آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی شد و آزمایش‌های صلح‌آمیز در این حوزه را استثنای آن معاهده تلقی نمود.

۳ - بند سوم مقدمه CTBT.

4 - CTBT: Making the world safer and more secure, www. ctbto. org / and

Article - By - Article Analysis of the CTBT in www. ctbto. org

5 - Ibidem.

6 - Antarctic Treaty (1959). See Annex Containing List of Parties.

Texts and Histories of Negotiation, (Washington, D.C., U.S. Arms Control and Disarmament Agency, 1982).

۷ - جمشید ممتاز، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، (تهران، دادگستر، ۱۳۷۵)، ص ۴۲.

8 - UN. Doc. A / 10027 Add. I, 1976.

۹ - ممتاز، پیشین، صص ۴۳-۴۴ و همچنین ر.ش به: هدایت‌الله فلسفی، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای: تصورات و واقعیات»، مجله حقوقی، (شماره ۱۹-۱۸، ۷۴-۱۳۷۳)، صص ۱۶-۱۵.

10 - Partial Test Ban Treaty, (1963), See *Arms Control and Disarmament Negotiations*, *Op.Cit.*, p. 40 et seq.

11 - Elliot, J. and Reginad, R. *The Arms Control, Disarmament, and Military Security Dictionary*, (Oxford, Clio Press Ltd., 1989), pp. 251-252.

12 - *Supra*, n. 4.

13 - *Arms Control and Disarmament Agreements*, (New Branswick, N.J. Transaction Book, 1984), p. 65 et. seq.

۱۴ - ممتاز، پیشین، ص ۳۶.

۱۵ - همان.

16 - Fischer, G. *La non - prolifération dos armes nucleaires*, (AFDI, 1967), p. 48, quoted by *Ibid.*, p. 36.

۱۷ - برای ملاحظه مشروح این نابرابری‌ها ر.ش به: هدایت‌الله فلسفی، پیشین، و همچنین ابراهیم بیگزاده، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۷-۱۶، پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵)، صص ۲۹۲-۲۵۱.

18 - Marwah, O. and Schulz, A. (eds), *Nuclear Proliferation and near Nuclear Countries*, (Cambridge, Ballinger Pub. Co., 1975), p. 11.

19 - Goldblat, J., *Agreements for Arms corrol: A Critical survey*, (London, Jaylor and Francis, 1982), p. 149 et. seq.

20 - *World armaments and Disarmament; SIPRI Yearbook 1986*, (Oxford, Oxford University Press, 1986), p. 116 et seq.

21 - *Ibid.*, p. 510 et seq.

۲۲ - ممتاز، پیشین، ص ۴۴.

- 24 - Supra. n. 4.
- 25 - Supra. n. 4.
- 26 - Supra. n. 4.
- 27 - Bangkok Treaty or Southeast Asia Nuclear - Weapon - Free Zone Treaty.
- 28 - 35 *IL.M.* 1439, (1996).
- 29 - *Ibid.*
- 30 - Homepage of CTBT PrepCom, [www. CTBT. org/](http://www.CTBT.org/).
- 31 - Supra. n. 4.
- ۳۲ - ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، ص ۱۸۷.
- 33 - Beldsoe, R. and Boscek, B., *The International Law Dictionary*, (Oxford, Clio press Ltd., 1989), n. 75.
- 34 - *Ibidem.*
- 35 - Steinberger, Helmut, "Sovereignty", *EPIL*, Vol. I., p. 408.
- ۳۶ - سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، (تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۷.
- 37 - Lotus Case, *EPIL.*, Vol. 2, pp. 173-177.
- 38 - Wimbeldon Case, *Ibid.*, pp. 293-296.
- ۳۹ - هدایت‌الله فلسفی، «اجرای مقررات حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۴-۱۳، پاییز ۷۲ و تابستان ۷۳)، ص ۴۱.
- 40 - The CWC, D.N. C.N. 246. 1994, TREATIES-5.
- 41 - See Brierly, Ian, *Principles of Public International Law*, (1990), 4 th ed., p. 91, footnotes 15 and 16.
- 42 - Frowein, Jochen, "Recognition", *EPIL*, Vol. 7, p. 342.
- 43 - See Brierly, Ian, *Op.Cit.*, p. 343 and also Akehurst, Michael, *A Modern Introduction to International Law*, (London, Unwin Hyman, 1988), 6 th ed., p. 60; and *Ibid.*, p. 347.
- 44 - Mosler, *The International Society as a legal community*, (1980), p. 44, quoted by Brierly, Ian, *Op.Cit.*, p. 343.

۴۶ - به عنوان مثال، انگلستان علی‌رغم آنکه دولت تایوان را به رسمیت نشناخته بود در سال ۱۹۵۷ از آن خواست که خسارات وارده از سوی نیروهای مسلح تایوان بر کشتی‌های انگلیسی را پرداخت نماید. امریکا نیز در سال ۱۹۶۸ اعلام کرد که کره شمالی با حمله به کشتی *The Pueblo* امریکا، حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. این در حالی بود که امریکا، کره شمالی را به رسمیت نشناخته بود.

47 - Brierly, Ian, *Op.Cit.*, p. 95.

48 - *Ibid.*, p. 96; Wallace, Rebecca, *International Law*, (London, Sweet and Maxwell, 1986), p. 70 and also Green, Maryam, *International Law*, (London, Pitman Pub. 1987), 3rd ed., p. 35.

49 - Wallace, Rebecca, *Op.Cit.* p. 79.

۵۰ - ابو محمد عسگرخانی، «تحلیلی بر بحران هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، (شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷)، ص ۱۵۳.

۵۱ - ر.ش به: محمدجواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۷۷.

52 - Brownlie, Ian, *Op.Cit.*, p. 350, Footnote, No. 5.

53 - Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, *ICJ Rep.* (1980), pp. 31, 33 and 41, Paras. 62, 69 and 90.

همچنین ر.ش به: ژولیو باربریس، «تأملی بر عرف بین‌المللی»، ترجمه اردشیر امیرارجمند، مجله تحقیقات حقوقی، (شماره ۱۴-۱۳، پاییز ۷۲ تا تابستان ۷۳)، ص ۳۶۵.

54 - Brownlie, Ian, *Op.Cit.*, p. 350.

۵۵ - این کنوانسیون در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ (۵ مارس ۱۹۶۴) به تصویب مجلسین وقت ایران رسیده است.

۵۶ - در قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت ماهیت عرفی تعهدات بین‌المللی ایران را بیان داشته است:

تعهدات حکومت ایران در این قضیه صرفاً قراردادی نبوده بلکه جزو تعهدات حقوق بین‌الملل عام نیز می‌باشد.
IcJ Rep. 1980, p. 31, Para. 62.

57 - Brownlie, Ian, *Op.Cit.*, p. 359.

این اصل در ماده ۵ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ نیز پیش‌بینی شده است. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی نیز حکمی مشابه ماده فوق دارد.

۵۸ - ر.ک به اصول ۷۷، ۹۴ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

صراحت تدوین شده است. همچنین ر.ک به: ماده ۱۳ اعلامیه مجمع عمومی در خصوص حقوق و تکالیف دولت‌ها مصوب سال ۱۹۴۹ در:

Harris, D.J., *Case and Material on International Law*, (London, Sweet and Maxwell, 1998), 5th ed., pp. 68-74.

۶۰ - ر.ش. به: قرارداد مقر اکو بین دولت جمهوری اسلامی ایران و اکو.

61 - Brownlie, Ian, *Op.Cit.*, p. 359.

62 - *Ibid.*, p. 360 and 1961 Vienna Convention on Diplomatic Relations, Art. 32.

63 - See Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations, (I U.N.T.S. 15), 17 Sep. 1996, Art. VI, Sec. 23.

۶۴ - شاید به همین خاطر بوده که منشور ملل متحد علی‌رغم تأکید بی‌شمار بر «صلح و امنیت بین‌المللی»، فقط دوبار به «عدالت» اشاره کرده است. البته این بدان معنا نیست که حقوق بین‌الملل کاملاً از عدالت فاصله گرفته باشد.

۶۵ - این امر قبلاً در بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (کنوانسیون پاریس) پیش‌بینی شده بود.

66 - Kellman, Barry et al., *Manual for National Implementation of the Chemical Weapons Convention*, (The Hague, OPCW, Dec. 1993), p. 61.

67 - *Ibid.*, p. 128.

۶۸ - ر.ش به: هدایت‌الله فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، (تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹)، صص ۱۴۷-۱۴۳ و ۲۸۲-۲۶۱.

۶۹ - براساس بند ۵ ماده ۴: «به منظور [تحقق اهداف] این معاهده، هیچ کدام از دولت‌های عضو نباید از کاربرد اطلاعاتی که به روشی مطابق با اصول عموماً شناخته شده حقوق بین‌الملل به‌ویژه اصول مربوط به حاکمیت دولت‌ها، به وسیله ابزارهای فنی ملی به‌دست آمده است، منع گردند.»
مطابق با بند ۳۷ همان بند: «درخواست بازرسی در محل باید مبتنی بر اطلاعات به‌دست آمده به وسیله سیستم کنترل و نظارت بین‌المللی، اطلاعات به‌دست آمده از ابزارهای فنی ملی با روشی مطابق با اصول عموماً شناخته شده حقوق بین‌الملل یا ترکیبی از آنها باشد...»

۷۰ - در مقابل، رهیافت چراغ قرمز وجود دارد که براساس آن بازرسی‌ها خودبه‌خود قابل اجرا خواهند بود مگر آنکه رکن تصمیم‌گیرنده - معمولاً شورای اجرایی - با اکثریت لازم، آن را متوقف سازد.

۷۱ - ر.ش به: محمدتقی حسینی، «ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در میانه‌راه»، سیاست خارجی،

۷۳ - محمد تقی حسینی، پیشین، ص ۸۱۳.

74 - Elliot, Jeffrey and Reginald, Robert, *Op.Cit.*, p. 216.

۷۵ - ر.ش به: روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۴۶، مورخ ۲۰ مهر ۱۳۷۸، ص ۱۶ و همچنین:
Cloud, John, "Is it Trick or Treaty?" *Times*, (25 Oct. 1999), p. 48;
Ogden, Ochristopher, "Call this leadership? the U.S. is failing on the
Test Ban Treaty, U.N. dues and foreign aid", *Time*, (18 oct. 1999), p. 48;
and also Barry, John, "Lost Leader", *Newsweek*, (25 oct. 1999), p. 27.

۷۶ - برای مشاهده ضعف تضمین‌های امنیتی اعطایی به کشورهای غیرهسته‌ای ر.ش به: ممتاز،
پیشین، صص ۴۲-۴۰.

77 - Gupta, B., *Nucleorr weapons? Policy option for India*. New Delhi, sage
pub., 1983), p. 15.

۷۸ - ابو محمد عسگرخانی، پیشین، ص ۱۵۴.

79 - Waltz, K., *The Theory of International Relations*, (New york, Randon
Hause, 1979), p. 94.

80 - ICJ Advisory opinion on Legality of the threat or use of Nuclear
Weapons", *ICJ Rep*. 1996.

81 - Matheson, Michael, "The opinions of the International Court of Justice
on the threat or use of nuclear weapon", *AJIL*, 1997, vol. 91, p. 393.

۸۲ - سیاست بازدارندگی هسته‌ای ابتدا از طرف ایالات متحده و در پاسخ به توان بالای سلاح‌های
متعارف بلوک شرق عنوان گردید. ولی امروزه دفاع از این سیاست در حوزه سلاح‌های هسته‌ای،
چیزی جز استمرار موانع تحقق نظام خلع سلاح هسته‌ای و انعقاد کنوانسیون منع کاربرد و تهدید
به کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و انهدام آنها (که در مجمع عمومی مفتوح است) نخواهد بود.

۸۳ - ر.ش به سخنرانی کمال خرازی، وزیر امور خارجه، در اولین همایش بررسی تهدیدات خارجی
ایران، در مجله دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، (ماهنامه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور
خارجه، شماره ۱۳۲، آذر ۷۸)، ص ۲۷.

۸۴ - ممتاز، پیشین، ص ۷۳ و گری، کالین، سلاح جنگ‌افروز نیست، ترجمه احمد علیخانی، (تهران،
دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸)، صص ۳۱۳-۳۰۵.

۸۵ - ر.ش به: نادر ساعد، «مقدمه‌ای بر معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای»، سیاست دفاعی،
(شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۸۰)